



The Educational Role of the Teachings of Mahdavidism in Individual and Social Ethics from the Perspective of the Qur'an and Hadith

(Received: 2022/09/13 / Accepted: 2023/07/01)

Hossein Moghaddas¹

ABSTRACT

Belief in the existence of Imam Mahdi (A.S.) and his reappearance, like other components of religious beliefs, has certain educational effects. The necessity of believing in Mahdavidism on the basis of the Qur'an and the hadiths of the Infallibles (A.S.) provides people with a set of principles and rules to organize their lives on the axis of seeking to hasten the reappearance of Imam Mahdi (A.S.). This is where the educational teachings of Mahdavidism reveal themselves. This research attempted to extract the role of some of the educational teachings of Mahdavidism based on the teachings of the Qur'an and hadiths, using the descriptive-analytical method, and explaining their impact on the education of human society and the preparation for the Reappearance. Studies indicate that educational teachings such as God-centeredness, insight, self-esteem, hope, anti-tyranny, all-round preparation, resilience, etc. Among Islamic teachings and the characteristics of the companions of the Imam Mahdi (A.S.) there are virtues that through their application can prepare the ground for the State of Truth on earth and thus ensure individual and social happiness.

KEYWORDS: Educational Components, Mahdavidism, Ethics, God-centeredness, Insight, Anti-tyranny, Hope.

1- Assistant Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, University of Holy Quran Sciences, Amol, Iran, m.kor82@yahoo.com



نقش تربیتی آموزه‌های مهدوی در اخلاق فردی و اجتماعی از منظر قرآن و حدیث

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۰)

حسین مقدس^۱

چکیده

اعتقاد به وجود و ظهور امام مهدی (عج) همچون سایر اجزای اعتقادات دینی، آثار تربیتی معینی به دنبال دارد. ضرورت اعتقاد به مهدویت بر اساس قرآن و روایت معصومین (ع)، برای انسان‌ها مجموعه‌ای از اصول و ضوابط را فراهم می‌سازد که طی آن، زندگی خویش را بر محور تلاش برای نزدیک شدن ظهور تنظیم می‌کنند. در اینجا است که چهره آموزه‌های تربیتی مهدوی (عج) خود را آشکار می‌سازد. این پژوهش تلاش نمود تا با اتخاذ روش توصیفی - تحلیلی، نقش برخی از آموزه‌های تربیتی مهدویت را بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات استخراج نموده و تأثیر آن‌ها را در تربیت جامعه انسانی و زمینه‌سازی برای ظهور تبیین نماید. بررسی‌ها نشان می‌دهد آموزه‌های تربیتی همچون خدامحوری، بصیرت، عزت نفس، امیدواری، ظلم‌ستیزی، آمادگی همه‌جانبه، اسوه بودن و... نکات تربیتی مدنظر اسلام و ویژگی اصحاب امام عصر (عج) است که با تلاش و کوشش در راستای کسب این فضایل می‌توان زمینه‌ساز حاکمیت حق بر روی زمین گردید و سعادت فردی و اجتماعی را تضمین نمود.

واژگان کلیدی: مؤلفه‌های تربیتی، آموزه‌های مهدوی، اخلاق، خدامحوری، بصیرت، ظلم‌ستیزی، امیدواری.

۱. مقدمه

مطابق با آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، مهدویت، حرکتی تاریخی و قانونمند است که بر اساس سنت‌های الهی و اراده انسانی در جریان بوده، مسیر معین و غایت مشخصی دارد. در حقیقت مهدویت و ظهور موعود، نقطه اوج و کمال تاریخ بشری است که مطابق با نظام جهان هستی و به‌دوراز هرگونه گزاف‌اندیشی و بیهودگی است. شیعیان با باور داشتن به ظهور منجی طبق وعده الهی، سعی می‌کنند زندگی خویش را بر پایه و محور رضایت او تنظیم نمایند و با اعتلای معنویت، زمینه‌ساز ظهور حضرت را فراهم آورند. تربیت مبتنی بر آموزه‌های مهدویت اموری را شامل می‌شود که به زندگی انسان اعم از بُعد فردی و اجتماعی، مادی و معنوی مربوط بوده، ابعاد رفتاری مانند حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به معنای خاص را در برمی‌گیرد. تربیت بر اساس آموزه‌های مهدوی را می‌توان، شیوه‌ای از زندگی دانست که تجلی‌گر حیات منتظرانه و برگرفته از الگوی جامعه مهدوی و در راستای رسیدن به جامعه موعود و آرمانی باشد. سرمایه مهدویت و انتظار می‌تواند منبع مدل‌های مطلوبی برای زندگی فردی، اجتماعی و آینده‌نگر باشد. در این راستا می‌توان اذعان نمود که آموزه‌هایی همچون فرهنگ انتظار یکی از مهم‌ترین نکات تربیتی است که نوع تفسیر آن در زندگی شیعیان در عصر غیبت امام مهدی (عج) تأثیر به‌سزایی دارد (شهرابی فراهانی، ۱۳۹۳: ۳). شایسته است شیعیان در زندگی خویش به دنبال ارائه طرح‌های تربیتی با تکیه بر اخلاق منتظرانه با محوریت تربیت مهدوی در عصر غیبت مبتنی بر شخصیت امام مهدی (عج) باشند (موسوی گیلانی، ۱۳۹۲: ۱۳۷)؛ زیرا تربیت بر اساس آموزه‌های مهدویت، می‌تواند درک درستی از زندگی مبتنی بر آموزه‌های قرآن و روایات را برای انسان به ارمغان آورد. اما آنچه در این تحقیق به‌عنوان پرسش اصلی مطرح می‌شود این است که مهم‌ترین نقش تربیتی آموزه‌های مهدوی در جهت تربیت اخلاق فردی و اجتماعی از منظر قرآن و حدیث چیست؟

از همین رو، این پژوهش بر آن است که به نقش تربیتی برخی از آموزه‌های مهدوی در بعد اخلاق فردی و اجتماعی در عصر غیبت (دوران انتظار) پرداخته، تا بتوان در این راستا انسان و جامعه انسانی را در جهت رسیدن به قرب الهی نزدیک‌تر نمود.

۲. پیشینه تحقیق

درباره تربیت بر اساس آموزه‌های مهدوی تاکنون آثاری به رشته تحریر درآمده است که برخی

از این آثار عبارت‌اند از: اسحاقی (۱۳۹۳) در کتاب «سبک زندگی در حکومت مهدوی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف» مباحثی همچون جهانی‌شدن حکومت مهدی، رشد عقول انسان‌ها، امنیت عمومی و سیاست‌های مهدوی را بررسی کرده است. موسوی گیلانی (۱۳۹۲) «چیستی و چرایی «سبک زندگی» و نسبت آن با دین و مهدویت» این نوشتار درصدد است جایگاه و ضرورت در نظر گرفتن مؤلفه اعتقادی را در سبک زندگی شیعیان در عصر غیبت مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد؛ شهبازی فراهانی (۱۳۹۳) «بررسی جایگاه آموزه مهدویت در سبک زندگی اسلامی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت» با هدف بررسی جایگاه دکترین مهدویت در سبک زندگی اسلامی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت، تربیت مهدوی مبتنی بر آموزه مهدویت تبیین شده و دلالت‌های تربیتی مترتب از سبک زندگی مهدوی استخراج شده است. قربانی سفیدان (۱۳۸۹) «بررسی آثار و دلالت‌های تربیتی آموزه مهدویت و شبهات پیرامون آن». این پژوهش بر آن است تا کارکردهای تربیتی آموزه مهدویت را مورد توجه قرار داده، به این نتیجه رسیده که در بحث اجتماع نیز ابتدا باید جامعه منتظر، رغبت و اشتیاق را برای رسیدن به جامعه آرمانی در خود ایجاد کند. محمدرضایی و باغخانی (۱۳۹۴) «ارتباط اندیشه سعادت و سبک زندگی مهدوی (با تکیه بر مبانی علامه طباطبایی)». در این مقاله محقق به نقش محبت و معرفت به امام عصر (عج) به‌عنوان مصداق کنونی هدایت‌گران الهی اشاره کرده که با ایجاد سبک زندگی منتظرانه و تأثیر تکاملی در ابعاد گوناگونی همچون بعد فکری، بعد روحی - روانی، بعد اخلاقی و بعد عملی، سبب تعالی فرد شود و او را به سعادت دنیوی و اخروی می‌رساند. سیدکلان و رضایی شریف (۱۳۹۵) در مقاله «اثربخشی آموزش سبک زندگی مبتنی بر مهدویت در بهزیستی روان‌شناختی و معنوی دانش آموزان» اثربخشی سبک زندگی مبتنی بر مهدویت در بهزیستی روان‌شناختی و معنوی دانش آموزان پسر سال سوم دوره اول متوسطه آموزش و پرورش ناحیه یک شهر اردبیل را تبیین کرده است. پژوهش‌هایی که بدان اشاره شد در راستای سبک زندگی و همچنین پاسخ‌دهی به برخی شبهات در مورد مهدویت است؛ اما به نظر می‌رسد در زمینه آموزه‌های تربیتی مهدوی در ابعاد اخلاق فردی و اجتماعی و تأثیر آن بر جامعه انسانی، کمتر تأمل شده از این رو، این مقاله بر آن است تا به برخی از آموزه‌ها در این راستا اشاره نماید.

۳. نقش تربیتی آموزه‌های مهدوی

با توجه به تفاوتی که در تعریف تربیت و اخلاق وجود دارد به نظر می‌رسد می‌توان بین این دو

تفاوتی قائل شد. در مفهوم تربیت، پرورش دادن و ساختن نهفته است (مطهری، ۱۳۷۲، ۲۲: ۷۴۱) بدین معنی که اگر در موجود صاحب حیات استعدادی کشف شد و مورد پرورش صحیح واقع گردد می‌گویند مورد تربیت قرار گرفت. در این راستا تفاوتی بین انسان و سایر حیوانات وجود ندارد. از این رو، حیواناتی مانند سگ یا اسب را به صورت شایسته‌ای تربیت کرد یا انسان‌هایی را برای جنگ و سایر امور تربیت نمود. بنابراین در کلمه تربیت لازم نیست همیشه یک قداستی نهفته باشد، اما کلمه اخلاق جمع خُلُق و به معنای نیرو و سرنوشت باطنی انسان است که تنها با دیده بصیرت و غیر ظاهر قابل درک است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ ق: ۱۵۹) در واژه اخلاق نوعی قداست وجود دارد که موجب ارزشمندی انسان است. از این جهت می‌توان اذعان نمود که کلمه «اخلاق» در مورد حیوان به کار نمی‌رود. (مطهری، ۱۳۷۲، ۲۲: ۷۴۱). به عنوان مثال وقتی اسبی را تربیت می‌کنند، نمی‌گویند که به او اخلاق تعلیم می‌دهند. پس اخلاق اختصاص به انسان داشته و در مفهومش نوعی قداست خوابیده است. استاد مطهری در این زمینه معتقد است:

«اگر بخواهیم با اصطلاح صحبت کنیم باید بگوییم فن اخلاق و فن تربیت یکی نیست و دوتاست. فن تربیت وقتی گفته می‌شود که منظور مطلق پرورش باشد به هر شکل. این دیگر تابع غرض ماست که طرف را چگونه و برای چه هدفی پرورش دهیم. اما علم اخلاق یا فن اخلاق امری تابع غرض ما نیست که بگوییم اخلاق بالأخره اخلاق است، حال هر جور که ما بار بیاوریم؛ بلکه در مفهوم اخلاق نوعی قداست خوابیده است (که باید ملاک و معیار قداست را به دست آوریم)» (همان).

البته مراد از اخلاق در این مقاله اتصاف انسان‌ها به مجموعه‌ای از فضایل است که موجب ارزشمندی آن‌ها می‌شود. در این مهم اگر این ویژگی‌ها برخاسته از آموزه‌های مهدوی باشد، موجب تربیت انسان‌هایی خواهد بود که زمینه‌ساز ظهور حضرت خواهند گشت.

۱-۳. نقش آموزه‌های مهدوی در تربیت اخلاق فردی

تربیت انسان‌ها بر اساس آموزه‌های مهدوی در جهت ساختار اخلاق فردی مؤلفه‌هایی دارد که برخی از مهم‌ترین این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

الف) خدامحوری: ارتباط با خدا، جان انسان را از خیابث پاک می‌کند و او را در مسیر سعادت و نیک‌نامی قرار می‌دهد. از راه‌های ارتباط با خدا، یاد خداست: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد: ۱۳) آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند،

و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد! انسان دوست دارد نامحدود باشد و به همین علت آرام و قرار ندارد. تنها راه آرامش او این است که خود را در مسیر خدا که محدودیت در او راه ندارد، قرار دهد چراکه او قدرت مطلق است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال: ۴۹) هر کس بر خدا توکل کند، (پیروز می‌گردد)؛ خداوند قدرتمند و حکیم است!

باید دانست، از عمومی‌ترین اصول در تربیت اخلاق اسلامی اصل خدامحوری است. قطعاً میان اخلاقی که برخاسته از تعالیم الهی است با اصل خدامحوری ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. امر به خداخواهی و زندگی بر مدار توحید یکی از اصلی‌ترین اموری است که سرلوحه دعوت تمامی انبیا عظام بوده است. در قرآن کریم کراراً این مسئله مورد اشاره و تأکید قرار گرفته و تمامی کسانی که خود را تابع ادیان آسمانی می‌دانند به این مهم دعوت شدند:

«قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۴)؛ بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را غیر از خدای یگانه به خدایی نپذیرد.» هرگاه (از این دعوت)، سرباز زنند، بگویند: «گواه باشید که ما مسلمانیم! ایمان و یقین به خداوند در جان خدامحوران حالتی را به وجود می‌آورد که رفتار ایشان را کنترل می‌نماید و آن‌ها را از لغزش و گناه بازمی‌دارد. آنان در حقیقت «الحافظون لحدود الله» (توبه: ۱۱۲) کسانی هستند که حدود الهی را رعایت می‌کنند؛ ایشان بر این باورند که خدا دانای غیب و عالم به اسرار پنهانی است «اللَّهُ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (توبه: ۷۸)

لازمه ظهور، حاکمیت انسان موحد کامل است که نه تنها در درون خود در مقام توحید خالص مستقر است، بلکه از بیرون نیز به حاکمیت توحیدی مبادرت دارد. کسی می‌تواند منتظر حاکمیت انسان کامل باشد و زندگی خویش را در ذیل انتظار آن حضرت شکل دهد که بداند خداوند متعال جهان را رها نکرده تا هرکسی طبق میل خود بر آن حکومت نماید، بلکه فرصتی به بشر داده تا در این فرصت، تلاش شود حضرت مهدی (عج) امکان حاکمیت بر عالم و آدم را پیدا کنند (طاهرزاده، ۱۳۹۰: ۹۶).

کامل سلیمان در کتاب خود می‌نویسد: «تربیت مبتنی بر آموزه‌های مهدویت، در درجه نخست بر خدامحوری و خداباوری در زندگی استوار است؛ بدین مفهوم که انسان در تمامی امور

فقط خدا را می‌بیند نه مصلحت خویش یا سایر امور را؛ بلکه انسانی که در مکتب تربیت مهدوی رشد می‌کند، معیار و ملاک تمامی امور خود را رضایت خداوند متعال می‌بیند» (سلیمان، ۱۳۷۶: ۲۲۴).

جامعه و دولت کریمه مهدوی به شدت خدامحور است و رأی انسان تبعیت از خواست و رأی خداوند است. از این جهت تربیت یافتن جامعه مهدوی در راستای تربیت انسان‌هایی است که به دور از هواهای نفسانی بوده و همانند کسانی نیستند که هواهای نفس را به عنوان الهه خویش پذیرند: «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان: ۴۳) آیا دیدی کسی را که هوای نفسش را معبود خود برگزیده است؟! انسان باید به این نکته دقت کند: «اگر مفهوم حقیقی خداشناسی در فعالیت‌های فرهنگی و عبادی شخصی و اجتماعی مورد توجه واقع نشود، فعالیت‌های فرهنگی منجر به پوچی می‌شود» (طاهرزاده، ۱۳۸۸: ۲۵۸-۲۶۰).

امام باقر (ع) در تفسیر آیه مبارکه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ» (انفال: ۳۹) این آیه را درباره حاکمیت توحید و احکام الهی توسط امام مهدی (عج) در عالم می‌داند و خدامحوری و از میان بردن شرک و نفاق را از برنامه‌های اصلی آن حضرت معرفی می‌نماید و در این باره چنین می‌فرماید: «تاویل این آیه هنوز نیامده است و هرگاه قائم ما قیام نماید، آن کس که زمان او را دریابد تاویل این آیه را می‌بیند و هرآینه دین محمد (ص) و آیین توحیدی به هرکجا که شب می‌رسد و تسلط می‌یابد و در روی زمین اثری از شرک نخواهد ماند، همان گونه که خداوند وعده کرده است» (مجلسی، ۱۳۸۴، ۵۱: ۵۵).

در مورد آیه شریفه: «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْ» (نور: ۵۵) نیز می‌توان اذعان داشت در عصر مهدوی همه تربیت‌یافتگان مهدوی خداجو و خداخواه بوده و خدا را به خاطر خودش می‌پرستند و هیچ چیز را شریک در خداخواهی قرار نمی‌دهند.

ب) بصیرت: از ویژگی‌های انسان خدامحور این است که او می‌داند یکی از مراحل زندگی، زندگی در این دنیا است و باید از این مرحله گذر کند و خود را آماده مرحله بعد و نهایی کند و این بصیرتی را می‌طلبد که مانع دل‌بستگی فرزند آدم به دنیای کنونی خود باشد او باید درک کند که یکی از ویژگی‌های بارز و ممتاز تربیت‌یافتگان آموزه‌های مهدوی، دارا بودن بصیرت کامل است که موجب حضور به موقع در کنار امام عصر خویش است. به همین علت حضرت علی (ع) در پاره‌ای از سخنان خویش به یاد شخصیت‌های تربیت‌یافته علوی و با بصیرتی می‌افتند که از میانشان رخت برستند: «أَيُّ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ وَمَضَوْا عَلَى الْحَقِّ

أَيْنَ عَمَّارٍ وَأَيْنَ ابْنِ التَّيَّهَانِ وَأَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَأَيْنَ نَظْرًاؤُهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمُنْيَةِ وَأُبْرِدَ بَرُّؤُوسِهِمْ إِلَى الْفَجْرَةِ» (نهج البلاغه: ۱۸۲). کجایند برادران من؟ همان‌ها که در مسیر صحیح گام نهادند و در راه حق پیش افتادند؟ کجاست عمار؟ کجاست ابن تیهان؟ و کجاست ذوالشهادتین؟ و کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی بستند و سرهایشان را برای ستمگران فرستادند؟

در تعریف بصیرت گفته شده است «بصیرت، روشن بینی است، اندیشمندی است، دانایی حکیمانه و انسانی است که همچون چراغی پرنور در شب تاریک جلوی انسان را روشن می کند و راه کمال و انسانیت را برای وی نمایان می سازد و سقوط او را در جهالت، ضلالت و فتنه‌ها مانع می گردد» (کارگر، ۱۳۸۹: ۲۸) یا در مورد تعریف بصیر آورده اند: «بصیر کسی است که همه مراحل مربوط به فرایند بصیرت را طی نماید تا با بهره گیری از وجود خویشتن و شناخت کافی و عمیق از ارتباط بین خود، خدا و مردم از رهگذر تفکر و عبرت‌اندوزی به روشن بینی مبتنی بر شناخت همراه باور قلبی دست یابد. چنین فردی می تواند در زمره یاوران امام عصر (عج) باشد و آگاهانه و از روی بصیرت کارکردهای لازم را در جریان حکومت حضرت مهدی (عج) داشته باشد» (منصوری، ۱۳۹۵: ۲۵).

بر اساس روایات، یاران امام عصر (عج) در اوج بصیرت عملی و اطاعت هستند که می توان آن را در دو بُعد بررسی نمود:

۱. اطاعت از خداوند متعال: قدم نخست بصیرت عملی، اطاعت از دستورات خداوند است که اصحاب حضرت مهدی (عج) در این زمینه سرآمد همگان هستند. در روایتی از پیامبر (ص) درباره ایشان می فرماید: «آنان در طریق عبودیت خداوند، اهل جدیت و تلاش هستند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۳۶: ۲۰۷).

۲. اطاعت محض از امام: اصحاب امام مهدی (عج) کسانی هستند که با دل و جان و آگاهی و بصیرت تمام از دستورات امام خویش پیروی می نمایند و در عمل، التزام، پایبندی و تعهد خویش را به ایشان نشان می دهند. این اطاعت، در طول اطاعت و فرمان برداری از دستورات خداوند متعال است. بصیرت عملی یاران حضرت ولی عصر (عج) در روایتی از امام صادق (ع) این گونه به تصویر کشیده شده است: «مردانی که دل‌هایشان بسان پاره آهن است. در ایمانشان به خدا و وعده او ذره‌ای تردید ندارند و باور آنان از کوه سخت تر است. ایشان در فرمان برداری از سالار خویش مطیع تر از کنیز نسبت به مولای خود می باشند. آنان به سان چراغ‌های روشنگرند.

دل‌هایشان بسان مشعل‌های پرنور است» (همان، ۵۲: ۳۰۸).

اگر چنین اطاعتی از امام عصر (عج) وجود نداشته باشد هیچ حرکتی به ثمر نخواهد رسید. در روایتی دیگر، امام صادق (ع) ویژگی پیروان امام عصر (عج) را این‌گونه بیان می‌دارد: «خوشا به حال شیعیان قائم (عج) که در زمان غیبتش منتظر ظهور او هستند و در هنگام ظهورش فرمان‌بردار او، آنان اولیای خدا هستند؛ همان‌ها که نه ترس آن‌ها را فرامی‌گیرد و نه اندوهگین می‌شوند» (ابن بابویه، ۱۳۸۰، ۲: ۳۹؛ رحیمی جعفری، کارگر، ۱۳۹۲: ۷۷-۷۸). از این رو، باید گفت بصیرت چراغ راه انسان در مواقع دشواری تشخیص حق از باطل است. بدین مفهوم که انسان بصیر از فتنه‌های آخرالزمانی اجتماعی مصون و در امان است و دچار انحرافات فکری و اخلاقی نمی‌گردد.

ج) حُسن خُلُق: یکی از صفات حسنه که در روایات تأکید فراوان در مورد آن شده، حُسن خُلُق است. بخشیدن زمانی که می‌توان انتقام گرفت، برخورد نیک با دیگران، ادب داشتن و... از مصادیق حُسن خُلُق است. از دلایلی که پیامبر توانست در مدت ۲۳ سال مردم خشن، جاهل و... را تغییر دهد و آن‌ها را تبدیل به انسان‌های دانا کند، داشتن فضایل اخلاقی بود. در نتیجه کسانی که می‌خواهند در مسیر تربیت صحیح حرکت نمایند باید متلبس به اخلاق حسنه باشند. در تعالیم قرآنی از پیامبر اسلام (ص) به‌عنوان شخصیتی که دارای اخلاق عظیم است، یاد می‌شود: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم: ۴) و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری! می‌توان اذعان داشت خدای متعال علت برتری ایشان بر سایر انبیا را حسن خلق می‌داند. اصطلاح حسن خلق را می‌توان در چند محور دسته‌بندی نمود: «نخست اینکه حسن خلق به مفهوم شوخ‌طبعی و تبسم باشد. این مصداق از حسن خلق در برخی روایات به چشم می‌خورد» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۶۶۳) اما محدود نمودن مصداق حُسن خُلُق به خنده و تبسم صحیح نیست، درحالی‌که حُسن خُلُق مفهومی گسترده دارد. علامه جوادی آملی در این زمینه معتقد است: «حسن خلق به معنای گشاده‌رویی و خنده‌رو بودن نیست. گرچه این موارد نیز به‌موقع خویش سودمند است. حسن خلق، گاهی دندان بر جگر گذاشتن و مشکل را تحمل نمودن است. اگر باطلی به انسان پیشنهاد گردد باید دندان بر جگر نهاده و حق را رها نسازد و باطل را ترک نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

در مفهومی دیگر از حُسن خُلُق می‌توان گفت حُسن خُلُق با مکارم اخلاق ارتباطی نزدیک دارد. فیض کاشانی در توضیح این مفهوم می‌نویسد: «هرکسی بتواند تمامی صفات علم و خشم

و شهوت را برای خویش فراهم کند و آن‌ها را در کمال اعتدال مراعات کند به‌طور کلی حُسن خُلق دارد و اگر کسی بعضی از آن‌ها را مراعات نماید، به همان اندازه از اخلاق بهره‌مند است» (فیض کاشانی، ۱۳۸۷: ۱۴). در پیوند میان حُسن خُلق و سبک زندگی مهدوی در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم: «هرکسی که خوش دارد در شمار اصحاب قائم (عج) باشد، باید در عصر انتظار مظهر اخلاق نیک انسانی باشد. چنین کسی اگر پیش از قیام قائم درگذرد، پاداش او مانند کسانی باشد که قائم را درک نمایند و به حضور او برسند. پس در دین‌داری و تَخَلُّق به اخلاق اسلامی بکوشید و در حال انتظار ظهور حق به سر برید. این کردار پاک و افکار تابناک گوارا باد بر شما، ای گروهی که رحمت خدا شامل حال شماست! که کردار پاک همان اعمال صالح دینی و اجتماعی و اخلاق والای اسلامی است و افکار تابناک همان آرمان نورانی و مقدس انتظار یعنی اینکه حق ظهور کند و عدالت جهانگیر گردد و بشریت نجات یابد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۵۲: ۱۴۰). بنابراین با رعایت حُسن خُلق می‌توان در جامعه مهدوی به‌عنوان الگویی رفتاری عمل نمود؛ چراکه رفتار شایسته و داشتن حُسن خُلق از نشانه‌های زندگی مؤمنانه در قالب اجتماعی است. با رفتار شایسته می‌توان جامعه‌ای ایدئال مهدوی تربیت نمود.

د) مراقبت و تزکیه نفس: هدف از بعثت انبیا پرورش انسان‌ها و تزکیه آنان است: «... رَسُوْلًا مِّنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيْكُمْ» (بقره: ۱۵۱)؛ رسولی از خودتان در میان شما فرستادیم؛ تا آیات ما را بر شما بخواند؛ و شما را پاک کند. مراقبه و تزکیه نفس یعنی حفظ دین و نگهبانی از مرزهای اعتقادی و حفظ و حراست باورهای مقدس. از این رو، «انسان‌های تربیت‌یافته بر اساس آموزه‌های اسلامی و مهدوی و جامعه منتظر نباید در این مسئله مهم سستی نمایند. لازم است فروغ ایمان و نور یقین و تشعشع اعتقادات حقیقی همواره در دل و جان مردم محفوظ باشد و روزه‌روز بارورتر گردد. ضروری است ایمان، جزئی از وجود ایشان و مایه تقوّم هویت اصلی آن‌ها باشد تا به‌مرور زمان، حق و فداکاری در راه اعتلای حق مانند خون تمامی وجود ایشان را گرم نماید و چون روح، جوهر حیات ایشان باشد» (حکیمی، ۱۳۸۸: ۸۷).

پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) همواره متذکر مراقبه و تزکیه نفس شده‌اند تا حدّی که پیامبر اکرم (ص) هدف از بعثت خود را احیای مکارم اخلاق برشمرده‌اند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۳۸۲: ۶۸).

«در تربیت بر مبنای تزکیه نفس، زمینه‌های تغییر پایدار در راستای اهداف معین، همراه با طرح و نقشه مشخص بسترسازی می‌گردد. این بسترسازی در دو جنبه انجام می‌گیرد: یکی در

پاک‌سازی و پالایش از زشتی‌ها، ناتوانی‌ها، زیان‌ها، وهمیات و غیر واقعیت‌هاست و دیگری در رشد ارتقایی و آراستن به توانمندی‌ها، ارزش‌ها، واقعیت‌ها و سعادت‌مندی‌هاست. این دو با هم می‌توانند تغییرات متعالی و مطلوب نسبتاً پایدار را در مرتب‌ی ایجاد نمایند. رسیدن به اهداف عالی تربیتی بدون آن دو میسر نیست» (فقیهی، ۱۳۹۶: ۲۶) چه زیبا امام علی (ع) می‌فرماید: «به اوج اهداف نمی‌رسند مگر کسانی که هم تهذیب نفس را دارند و هم در مسیر رشد بسیار تلاش می‌کنند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۳۷۱) کسانی که در سایه مراقبت و تزکیه رشد نمود او شایسته بهره‌وری از نعمات مادی و معنوی خدا می‌شود «در چنین وضعیتی مرتب‌ی شایستگی نگه‌داری و بهره‌برداری هر یک از سرمایه‌های مادی و معنوی زندگی را که به او سپرده شده می‌یابد و همواره پیشرفت می‌نماید» (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۲۰ و ۱۵۳).

انسان منتظر با دانستن مفهوم انتظار حقیقی، سعی می‌نماید تا همواره مراقبه و محاسبه را در دستور کار خویش قرار دهد تا با معیار و ملاک مهدوی (عج) خود را مطابقت دهد و اگر گناه و رذیله اخلاقی مرتکب گردیده، هر چه سریع‌تر آن را ترک کند و یا از آن توبه نماید تا به عنوان الگوی اخلاقی و تربیتی در سطح اجتماع ظاهر گردد.

۵) عزت نفس و احساس ارزشمندی: باور داشتن و اعتقاد داشتن یک فرد به ارزش‌های وجودی خود را عزت نفس گویند به گونه‌ای که خود ارزشمندی در حقیقت به‌مثابه فرایندی خودآگاهانه عمل می‌نماید و مقاومت، قدرت و توانایی کافی را جهت بازسازی اخلاقی و تربیتی و پیشرفت ایجاد می‌نماید» (کاوندی، ۱۳۹۱: ۱۷۱). این اعتقاد و باور دارای اهمیت زیادی دارد تا جایی که قرآن می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹) و سست نشوید! و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید!

در تفسیر ذیل این آیه آمده است «در جهان‌بینی مادی، عامل پیروزی سلاح و تجهیزات است، ولی در بینش الهی، عامل پیروزی ایمان است» (قرائتی، ۱۳۸۸: ۲: ۱۶۱). فرهنگ اسلام، فرهنگ عزت و سربلندی است و باید به همین مطلب توجه زیادی نمود؛ چراکه «در فرهنگ اسلام عزت و تربیت دینی معمولاً با هم مطرح می‌گردند و همدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «عزت برای خدا و پیامبرش و برای مؤمنین است» (المنافقون: ۸) شخص مؤمن هم شخصیتی باعزت دارد و اموری که در آن بی‌تقوایی و پستی وجود دارد پرهیز می‌کند و نیز امام صادق (ع) می‌فرماید: «العزُّ أنْ تذلَّ للحقِّ إذا لزمك» (مجلسی، ۱۴۰۳

ق، ۷۵: ۲۲۸؛ ری شهری، ۱۳۷۹: ۱۲۸). در معنای عزت گفته شده است: «عزت آن است که در برابر حق خوار باشی وقتی بر تو لازم شد. عزت نفس و احساس ارزشمندی به خودی خود موجب حق‌پذیری و پابندی به حق می‌گردد و شخص ارزشمندی احکام الهی را درمی‌یابد و با درک هماهنگی عزت با ارزش‌های دینی و معنوی نسبت به قانون پروردگار احساس وظیفه‌شناسی می‌نماید و به امور اخلاقی نظیر صداقت و راستی پابندی نشان می‌دهد و خود را از جهالت و اعمال خلاف اخلاق که همراه با ذلت است بر حذر می‌دارد» (نجفی، ۱۳۹۲: ۷۱).

ثمره تربیت مبتنی بر آموزه‌های مهدویت، عزت نفس و خود ارزشمندی است؛ زیرا انسانی که می‌داند آینده‌ای روشن در انتظارش است که با ظهور محقق می‌گردد از قید هرگونه ذلتی آزاد گردیده و با احساس عزتمندی زندگی می‌کند. تربیت مبتنی بر عزتمندی موجب آن است که انسان در اجتماعی هدفمند و هدف‌گرا در مسیر موعود باوری قرار گرفته و این ویژگی در تمامی مراحل زندگی خود را آشکار می‌سازد.

۲-۳. نقش آموزه‌های مهدوی در تربیت اخلاق اجتماعی

انسان موجودی نیازمند است و به‌تنهایی قادر به ادامه حیات نیست؛ نسل انسان هم از پیوند دو انسان (زن و مرد) تداوم پیدا می‌کند؛ در این مورد قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳) ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست. خداوند دانا و آگاه است! با توجه به شأن نزول آیه، ارتباط مردم با یکدیگر نباید بر اساس نژاد و رنگ و زبان باشد. انسان باید بداند پدر و مادر همه انسان‌ها یکی است و تنوع در نسل بنی‌آدم برای شناخت بوده نه برای تفاخر. توجه و تفقه در آیه این پیام را می‌رساند که اخلاق مهدوی جز باتقوای الهی میسر نمی‌گردد. یکی از وظایف والدین این است که این پیام را برای نسل بعد از خود به یادگار گذارد.

یکی از مهم‌ترین وجوه زندگی تربیت‌یافتگان آموزه‌های تربیتی مهدوی ارتباط انسان‌ها با یکدیگر در بعد مسائل اجتماعی است به همین علت به نقش برخی از آموزه‌های مهدوی اشاره می‌گردد:

امید به آینده: یکی از مهم‌ترین آموزه‌های دین اسلام که نقش ویژه و خاصی در تربیت

انسان‌های مهدوی دارد، امید به آینده و انتظار فرج است. در این راستا امید داشتن به درک حضور عصر مهدوی نه یک توهم و آرزو به امر محال، بلکه یک حقیقت است و این حقیقت برخاسته از آموزه‌های قرآنی و روایی و حتی فطرت انسانی است. این امید می‌تواند به تن خسته روح بیخشد و آن را از تنبلی بازدارد. این احساس و امید به آینده می‌تواند در حقیقت قفل اساسی بسیاری از مشکلات را باز نموده و رهگشای انسان به سعادت باشد. باید دانست در اندیشه مهدوی میان امید به آینده و انتظار فرج ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. آیت‌الله دستغیب در این زمینه می‌گوید: «انتظار فرج از یک منظر به دو معنا به کار رفته است: الف) انتظار در معنای عام: در این معنا مکتب اسلام تلاش نموده است تا از یک سو با فضیلت بخشیدن به انتظار گشایش و امید به آینده و از سوی دیگر با نکوهش یأس، ناامیدی، دل‌سردی و دل‌مردگی روحیه تلاش و تکاپوی سازنده را در افراد جامعه اسلامی زنده نگه دارد و از ایجاد حالت یأس و ناامیدی در زندگی شخصی مسلمانان جلوگیری نماید. اهتمام اسلام به این معنای عام از انتظار و امید به آینده تا بدان حد بود که امید به فرارسیدن گشایش از ناحیه خداوند در زمره بالاترین و ارزشمندترین اعمال بر شمرده شده و در عین حال یأس و ناامیدی از رحمت خداوند از جمله گناهان کبیره به شمار آمده است. ب) انتظار در معنای خاص: در این معنا انتظار گشایش و امید به آینده از حالت امری محدود، سطحی و فردی خارج شده و تبدیل به امری گسترده، عمیق و اجتماعی می‌شود. به این مفهوم که در دین اسلام به همه انسان‌ها می‌گویند که اولاً شما فقط منتظر بهبود وضع زندگی خود و اطرافیان نباشید و تنها سعادت نزدیکان خود را طلب نکنید، بلکه این انتظار را نسبت به تمامی افراد جامعه گسترش دهید و چشم‌انتظار روزی باشید که رفاه، سعادت، عدالت و معنویت نه تنها در شهر و دیار شما، بلکه در همه جهان گسترده شود» (دستغیب، ۱۳۷۹: ۶۱-۶۸).

در طول تاریخ، انقلاب‌های مختلفی از جمله فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... صورت پذیرفته است؛ اما اکثر این انقلاب‌ها یا در آغاز موفق نبوده، در میانه راه با مشکلات بسیاری مواجه گردیده و با وجود دشمنان خویش نتوانسته دوام بیاورد، پیش از رسیدن به اهداف و آرمان‌های خویش شکست خورده است. آیات قرآن کریم در موارد بسیاری خبر از آینده‌ای روشن برای جامع بشری می‌دهند که خود حاکی از تربیت نسلی است که به انتظار ظهور نشسته‌اند. قرآن کریم سرانجام روزگار را فرارسیدن عدل و دادی می‌داند که با تحقق آن کرامت انسانی فرا خواهد رسید. از جمله در آیه پنجم سوره «القصص» می‌فرماید: «وَوَدِدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان

را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.

آیت‌الله مکارم شیرازی ذیل این آیه می‌گوید: «مصدق اولیه این آیه، مشیت الهی در حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان است. نمونه گسترده‌تر و کامل‌تر آن حکومت پیامبر اسلام (ص) و یاران ایشان است. حکومتی که از سوی فرعون زمان خویش مورد ستم قرار می‌گرفتند و سرانجام خداوند به‌وسیله همین گروه مستضعف مستکبران را خوار و خفیف ساخت. نمونه گسترده‌تر آن ظهور حکومت عدالت در تمام کره زمین توسط امام مهدی (عج) است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۱۶: ۱۷).

ازجمله تفاوت‌های اساسی و بنیادین بین موحدان و غیر آنان، تفاوت در کیفیت نگرش به فرجام انسان‌ها و چگونگی سرانجام وضع زمین است. پیروان ادیان الهی بر اساس داده‌های کتب آسمانی معتقد به ظهور و بروز منجی انسان‌ها بوده و جهان را به‌سوی صلح و صفا در حرکت می‌بینند. امیدوار بودن به وعده خداوند متعال مبنی بر حکومت صالحان و مستضعفان بر روی زمین موجب تزریق روحیه پویایی و امید در جامعه می‌گردد؛ چراکه می‌داند مستکبران عالم بنا بر وعده خداوند، روزی خوار و خفیف شده و مستضعفان بر جهان حاکم می‌شوند. این موضوع در آیه ۱۰۵ سوره «الانبیا» تکرار شده است؛ «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.

در تفسیر شریف المیزان ذیل این آیه آمده: «مراد از وراثت زمین این است که سلطنت بر منافع، از دیگران به صالحان منتقل شود و برکات زندگی در زمین مختص ایشان شود، و این برکات یا دنیایی است که برمی‌گردد به تمتع صالحان از حیات دنیوی که در این صورت خلاصه مفاد آیه این می‌شود که به‌زودی زمین از لوث شرک و گناه پاک گشته جامعه بشری صالح که خدای را بندگی کنند و به وی شرک نوزند در آن زندگی کنند» (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ۱۴: ۴۶۶).

در راستای کسب وراثت زمین باید به وعده الهی ایمان داشت. امیدواری عنصر محرکی است که انسان را به تحقق آمالش نزدیک می‌کند و به هر میزان که روحیه امیدواری در فرد و اجتماع بیشتر باشد، کمال‌گرایی ایشان نیز بیشتر می‌شود. قطعاً تربیت‌یافتگان مکتب مهدوی بذریع امید را درجانشان کاشته و به پرورش آن تا رسیدن به مقصد مقصود ادامه می‌دهند.

مبارزه با ظلم: از اهداف ظهور انبیا دفاع از مظلوم در برآر ظالم است. قرآن عزیز این مهم

را با صراحت بیان می‌دارد و می‌فرماید: «وَإِذْ نَادَىٰ رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ ائْتِ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (شعرا: ۱۰)؛ (به خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا داد که به سراغ قوم ستمگر برو. ذیل این آیه آقای قرائتی در تفسیر نور آورده: «مبارزه با طاغوت، در رأس برنامه‌های انبیا قرار دارد» (قرائتی، ۱۳۸۸، ۶: ۲۹۹).

در عصر غیبت باید تربیت انسان در راستای زندگی مهدوی باشد. او باید بداند از ویژگی‌های تربیت‌یافتگان مکتب انتظار داشتن روحیه مبارزه با ظلم است: «انتظار و مهدویت موجب پرورش یافتن افرادی است که با اعتقاد به برپایی حکومت عدل به مبارزه با ظلم و ستم می‌پردازند. در فرهنگ دینی، ظالم، دشمن خدا است و تبری و مبارزه با دشمن خدا از مهم‌ترین وظایف مؤمنان تربیت‌شده بر اساس تربیت اسلامی به شمار می‌رود. همچنین از مسئولیت‌های بزرگ حضرت مهدی (عج) مبارزه با ظلم و مقابله با حکومت‌های ظالمانه است» (نجفی، ۱۳۹۲: ۸۵). انسان نمی‌تواند با نام انتظار، ظلم را که همیشه مبارزه با آن تکلیف است را بپذیرد و زیر بار ظالم و حکومت ظالمانه برود. تشییع عامل مهمی برای پیروزی جامعه خویش دارد که نه تنها توانسته با وجود دشمنان بسیار، خود را از گزند ایشان حفظ کند؛ بلکه روزه‌روز پیشرفت نموده و حتی دیگر جوامع اسلامی را هم از خواب غفلت بیدار کرده است: «فرهنگ عاشورا نماد ظلم‌ستیزی در فرهنگ شیعه است. قیام حسینی (ع) و فرهنگ عاشورایی جرّقه خوبی برای بیدار کردن ملت‌ها و انقلاب و مبارزه ایشان با ظالمان است. زیرا با ملاحظه شعارهای حسینی (ع) که با حماسه و عاطفه همراه است، مانند «هیئات من الذلّه» بشر را نیرو بخشیده و در برابر ظالمان به حقوق دیگران و تحریف‌کنندگان اسلام ناب قیام خواهند کرد» (رضوانی، ۱۳۸۶: ۲۲). قطعاً جامعه‌ای که دم از توحید و خدا‌باوری دارد هرگز نمی‌تواند اهل ظلم و یا پذیرای ظالم باشد. به همین علت پذیرش آن امری مطرود و مبارزه با آن یکی از امور مهم شمرده شده و کسانی که در برابر آن اقدامی ننمایند سزاوار است با ظالمان محشور گردند: «مَنْ رَأَىٰ سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَجِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يَغْيُرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۴۴: ۳۸۱)؛ کسی که حاکم ستمکاری را که حرام خدا را حلال بداند، عهد و پیمان خدا را بشکند، مخالف سنت رسول خدا باشد، در میان مردم با گناه و عدوان رفتار نماید، ببیند اما گفتار و رفتار خود را تغییر ندهد خدا حق دارد که وی را هم در جایگاهی نظیر جایگاه او داخل کند.

لذا تربیت در جامعه مهدوی در راستای مبارزه با ظلم بوده تا در راستای آن، عدالت الهی

شکل گیرد. پتروشفسکی، تاریخ‌دان و ایران‌شناس شوروی سابق در این زمینه می‌نویسد: «چشم‌به‌راه مهدی بودن در عقاید مردمی که نهضت‌های قرن سیزدهم را در ایران بر پا داشتند، مقام بلندی داشته است، ولی در قرن چهاردهم میلادی این عقیده راسخ‌تر و مشهودتر گشت» (پتروشفسکی، ۱۳۴۱: ۱۰) اکثر انقلاب‌ها و نهضت‌ها در ابتدا آغاز خوبی داشته‌اند؛ اما از آن جهت که ماهیت انقلاب‌ها ظلم‌ستیزی و مبارزه فرهنگی یا سیاسی با استکبار بوده دشمنان به مبارزه جدی و همه‌جانبه با آن نهضت‌ها پرداخته‌اند و این مبارزه بعد از پیروزی انقلاب‌ها شدت بیشتری پیدا کرده است؛ پس از مدتی روحیه یأس و ناامیدی در ایشان حاکم گردیده و صحنه را خالی نموده‌اند. انقلاب و آرمان‌های به‌بوته فراموشی سپرده شد و تنها در صفحات تاریخ ثبت شده است. اما نهضت شیعی این خلأ را چاره‌جویی نموده است. به این شکل که شیعه به امامی حاضر معتقد است و با امید به ظهور و قیام او به سر می‌برد و لحظه‌شماری می‌نماید و با روحیه امید تاکنون توانسته خود را زنده و شاداب نگه دارد و در مقابل تبلیغات دشمنان و مبارزه آنان استقامت نماید و دوام آورد.

باید دانست که در اندیشه اسلامی شیعی، دولتی مقرون به عدل و عقل و حکمت و خیر و سعادت و سلامت و امنیت و رفاه و آسایش و وحدت عمومی و جهانی در انتظار بشریت است که در آن دولت حکومت با صالحین است و انتخاب اصلح به معنی واقعی در آن صورت خواهد گرفت. روز بهروزی خواهد رسید: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (زمر: ۶۹)، روزی که «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ، اَرْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوُزُ وَأَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا وَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمئِذٍ مَوْضِعًا لِيَصَدَّقْتَهُ وَلَا بِرَّهَ وَهُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى: وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص: ۸۳) در آن روز به عدالت حکم شود و ستم برای همیشه رخت بر بندد، راه‌ها امن گردد، زمین برکات و استعدادهای خود را ظاهر گرداند و حداکثر استفاده از منابع و خیرات زمین صورت گیرد، فقری پیدا نشود که مردم صدقات و زکات خود را به او بدهند و این است معنی سخن خدا: عاقبت از آن متقیان است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۵۲: ۳۲۸؛ مطهری، ۱۳۷۲، ۳: ۳۶۲).

آمادگی برای ظهور: ظهور، پدیده‌ای جهانی و فراگیر است و برای شکل‌گیری آن مقدمات و شرایطی لازم است. منتظران ظهور باید خود را از هر جهت مهیای حضور کسی کنند که منجی بشریت است. شخص منتظر باید بداند که در زندگی اجتماعی، انسان به جایی می‌رسد که احساس نیاز به چیزی می‌کند و آن را به‌عنوان یک ضرورت می‌پذیرد. مانند پذیرش قوانین راهنمایی و رانندگی که محدودیت‌هایی برای انسان به وجود می‌آورد. از جمله اینکه به

هرجایی نمی‌توان ورود پیدا کرد، با هر سرعتی نمی‌توان حرکت کرد، هرجایی نمی‌توان توقف کرد و این در حالی است که انسان از محدودیت بیزار است، اما در اثر مشکلات بزرگ و فراوانی که از بی‌قانونی برای او به وجود آمده با جان‌ودل به چنین محدودیت‌هایی تن می‌دهد و دیر رسیدن را به هرگز نرسیدن ترجیح می‌دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۳۳). از این رو نیاز به منجی در جهت از بین بردن مشکلات یک ضرورت به نظر می‌رسد. با توجه به نیاز منجی، تلاش در راستای کسب آمادگی صورت می‌پذیرد که زمینه‌های ظهور منجی فراهم آید. در تربیت مهدوی انسان منتظر همواره بایست آمادگی نظامی و فعالیت اجتماعی داشته باشد تا در زمان ظهور حاکمیت حق در صف پیروان موعود (عج) قرار گیرد. منتظر هم از نظر فکری و هم از نظر علمی و عملی انسانی آماده است. منتظر انسان آماده‌ای است که هر لحظه احتمال می‌دهد که انقلاب مهدوی اتفاق می‌افتد و او آمادگی قرار گرفتن جزو پیروان حضرت را در خود احساس می‌نماید. امام صادق (ع) پیرامون آمادگی نظامی و دفاعی در آخرالزمان و زمان انتظار می‌فرماید: «باید هر یک از شما برای خروج قائم (عج) اسلحه تهیه کنید اگرچه یک نیزه. چون وقتی خداوند ببیند کسی به نیت یاری مهدی اسلحه تهیه کرده است، امید است عمر او را دراز کند تا ظهور را درک نماید و از یاوران مهدی (عج) باشد یا برای این آمادگی به ثواب درک ظهور برسد» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ۲: ۳۵۲).

الگو قرار دادن حضرت مهدی: یکی از روش‌های تربیتی از گذشته تا حال، روش معرفی الگو است. انسان‌ها در طول زندگی اجتماعی خویش نیاز به الگو دارند. این امر چه در قرآن کریم و چه در روایات نیز تبیین شده: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ» (ممتحنه: ۴) برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت.

امروزه ثابت شده است که بهترین و پایدارترین نوع یادگیری، یادگیری مشاهده الگویی است. روش الگویی از شیوه‌های عینی و کاربردی تعلیم و تربیت است. دانشمندی مانند دبس^۱ نیز در تعلیم و تربیت، روش الگوسازی و الگوگیری را مورد توجه قرار داده‌اند و آن را از عوامل مهم رشد و زمینه‌سازی یادگیری اجتماعی دانسته‌اند. موريس دبس در کتاب مراحل تربیت می‌آورد: «اساس و پایه شکل‌گیری شخصیت انسان در هفت سال نخست زندگی و بر بنیان تقلید

استوار است که از پایان سال اول زندگی آغاز شده و ادامه پیدا می‌کند» (دبس، ۱۳۶۸: ۳۰-۴۴). آلبرت بندورا^۱ می‌گوید: «نظریه یادگیری است که هم جنبه رفتاری و هم جنبه شناختی دارد. (سیف، ۱۳۸۴: ۲۸۱-۲۹۲).

از منظر بندورا یادگیری از راه مشاهده در مراحل توجه، یادسپاری، بازآفرینی و انگیزشی اتفاق می‌افتد که عواملی چون جذابیت و شایستگی الگو، همچنین آمادگی ادراکی، سطح برانگیختگی و رجحان‌های اکتسابی فرد بر جلب توجه یادگیرنده مؤثرند. از روش مشاهده‌ای در موارد مختلف می‌توان بهره جست. از جمله آموزش رفتارهای تازه، نیرومند کردن رفتارهای قبلاً آموخته‌شده، تقویت یا تضعیف اثر بازداری‌ها، جلب توجه یادگیرندگان و ایجاد پاسخ‌های هیجانی (همان). از این رو، می‌توان گفت روش الگویی، از مؤثرترین روش‌های تربیتی است. مکتب اسلام این روش را به‌عنوان اساس تربیتی خویش قرار داده و به صورت‌های مختلف به این موضوع پرداخته است. در قرآن کریم، به الگو بودن پیامبر گرامی اسلام (ص) این‌گونه پرداخته است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (الاحزاب: ۲۱).

در برخی آیات امت‌های پیشین را الگو قرار داده و ایستادگی و مقاومت ایشان را متذکر شده و می‌فرماید: «بسا پیامبرانی که خداپرستان بسیاری در کنارشان جنگیدند و از آنچه در راه خدا به آنان رسید، سستی نورزیده و ناتوان و زبون نگردیدند، خدا شکیبایان را دوست می‌دارد» (آل عمران: ۱۴۶) ائمه اطهار (ع) نیز از این روش در مسیر تربیت استفاده می‌نمودند. نقش الگوها در تربیت و سازمان‌دهی به شخصیت و رفتار افراد و جهت‌گیری‌های انسان به‌قدری اساسی و مهم است که امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مردم به زمامداران خود شبیه‌ترند تا به پدران خود» (حرانی، ۱۴۰۴ ق: ۱۴۴).

در مکتب تربیتی انتظار نیز اهمیت روش الگویی موردعنايت خاص قرار گرفته است. با توجه به اینکه معرفت امام عصر (عج) از ارکان انتظار است، نقش الگویی ایشان برای منتظران محرز است. انسان به‌طور فطری کمال‌گرا و از عیب و نقص بیزار است. همین عشق به کمال او را به سمت وسوی الگوگیری از افراد کمال‌یافته سوق می‌دهد و هر چه قدر که الگو کامل‌تر باشد، روش الگویی از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود.؛ از این رو، امام بهترین الگو برای سیر

به‌سوی کمال مطلق است تا انسان در تمامی ابعاد زندگی خویش به آن حضرت تأسی جوید و به نیاز درونی خویش پاسخی صحیح دهد. لذا با توصیف و به تصویر کشیدن سیره امام (ع) و یاران آن حضرت می‌توان از نقش الگویی انسان کامل و یاران ایشان در دوران غیبت بهره جست.

نتیجه‌گیری

توجه به نقش آموزه‌های مهدوی در اخلاق فردی و اجتماعی و استخراج آن از قرآن کریم و روایات معصومین (ع) اثر به‌سزایی دارد که در این مقاله به پاره‌ای از آن‌ها پرداخته شد. در این مهم خدامحوری و قرار دادن خداوند متعال در رأس همه امور، نخستین و مهم‌ترین اعتقادی است که در آموزه‌های تربیتی مهدوی مطرح است و منتظر واقعی کسی است که مبنای تمامی آموزش رضایت خداوند متعال باشد. انسان بصیر همواره می‌کوشد با رشد فضایل اخلاقی و تربیت نفسانی از شر حوادث روزگار خود را مصون و محفوظ بدارد و در دوران ظهور نیز از پیروان حقیقی امام مهدی (عج) گردد. منتظر واقعی فرج، باید ارزش و قدر خود را بداند و قدرشناسی از خود اصلی مهمّ تربیتی است که از آن به عزت نفس نیز تعبیر می‌شود. این عزت نفس است که در انسان موجب تقویت روحیه اعتماد و اتکای به خود می‌گردد. از مهم‌ترین آموزه‌های تربیت مهدوی در بعد اجتماعی، می‌توان به امیدوار بودن نسبت به آینده روشن اشاره نمود که با ظهور محقق می‌شود. احساس امید در جامعه و اینکه روزگاری، فرامی‌رسد که مستضعفان بر زمین حاکم می‌شوند و عدالت برقرار می‌گردد، موجب می‌شود تا انسان‌ها خود را برای آن زمان آماده کند.

روحیه ظلم‌ستیزی اصل مهم تربیتی دیگری است که در مذهب شیعه به دلیل آموزه‌های مبتنی بر فرهنگ عاشورا نمود بارزی دارد و این اندیشه در زمان ظهور ولی عصر (عج) در قالب نابودی ظلم محقق می‌شود. از این رو، از اصول مهمی که در بعد اجتماعی باید مورد توجه شیعه قرار گیرد تا خود را از زمره یاران امام عصر (عج) بداند، مبارزه با ظلم در تمامی مراحل زندگی فردی و اجتماعی است همچنین آمادگی مادی و معنوی برای ظهور امام عصر (عج) از اصولی است که تربیت مهدوی (عج) باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا مؤمن واقعی همواره باید آماده باشد تا در مواجهه با خطرات روزافزون، نلغزد و در آخر این که الگو بودن اصحاب امام عصر (عج) برای عموم مسلمانان به‌خصوص شیعیان، خود اصلی مهم در ترغیب جامع به‌سوی اندیشه‌های مهدوی است؛ چراکه به‌وسیله پیرو است که پیشوا شناخته می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم؛ ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- * نهج البلاغه؛ ترجمه محمد دشتی.
- ۱- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۲۱ق)، *تحف العقول عن احادیث آل الرسول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
 - ۲- ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۰)، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم، دارالحدیث.
 - ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و درر الکلم*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
 - ۴- پطروشفسکی، ایلیا پاولوویچ (۱۳۴۱). *نهضت سریداران در خراسان*، چاپ سوم، ترجمه کریم کشاورز، تهران، انتشارات پیام.
 - ۵- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۴۱۰ق)، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
 - ۶- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵)، *مبایذ اخلاق در قرآن*، قم، اسراء.
 - ۷- حکیمی، محمدرضا، (۱۳۸۸)، *خورشید مغرب*، تهران، دفتر فرهنگ اسلامی.
 - ۸- دبس، موریس، (۱۳۶۸)، *مراحل تربیت*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران، دانشگاه تهران.
 - ۹- دستغیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۹)، *گناهان کبیره*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
 - ۱۰- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ق). *المفردات فی غریب القرآن*. بیروت، الدارالشامیه.
 - ۱۱- رحیمی جعفری، محسن، کارگر، رحیم؛ (۱۳۹۲)، *بررسی تحلیلی روایی عنصر بصیرت در یاران امام زمان (عج)*، انتظار موعود، سال سیزدهم، شماره ۴۳.
 - ۱۲- رزق، خلیل، (۱۴۲۹)، *الامام المهدی علیه السلام و الیوم الموعود*، چاپ سوم، بیروت، دارالولاء.
 - ۱۳- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۸۶)، *دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر*، قم، مسجد مقدس جمکران.
 - ۱۴- رهنمایی، سید احمد، (۱۳۸۸)، *پایه‌های روان‌شناختی تربیت دینی، اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، شماره ۲، ص ۱۰۹-۱۳۸.
 - ۱۵- سلیمان، کامل، (۱۳۷۶)، *یوم‌الخلاص*، تهران، آفاق.
 - ۱۶- سیف، علی اکبر، (۱۳۸۴)، *روان‌شناسی پرورشی*، تهران، آگاه.
 - ۱۷- شهرابی فراهانی، فاطمه، (۱۳۹۳)، *بررسی جایگاه آموزه‌های مهدویت در سبک زندگی اسلامی و دلالت‌های آن در تعلیم و تربیت*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد.
 - ۱۸- طاهرزاده، اصغر، (۱۳۸۸)، *آنگاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود*، اصفهان، لب المیزان.
 - ۱۹- طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴ ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین وابسته به حوزه علمیه قم.
 - ۲۰- فقیهی، علی نقی، (۱۳۹۶)، *رویکرد تربیتی تزکیه و کاربرد آن در محورهای چهارگانه سبک زندگی اسلامی*، سال نهم، شماره دوم، ص ۲۳-۳۸.
 - ۲۱- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۸۷)، *اخلاق حسنه*، تهران، پیام عدالت.
 - ۲۲- قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، *تفسیر نور*، ج ۶، تهران. مؤسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
 - ۲۳- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- ۲۴- مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ ق)، ج ۲، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۲۵- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲) مجموعه آثار، ج ۳، قم، انتشارات صدرا.
- ۲۶- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲)، مجموعه آثار، فلسفه تعلیم و تربیت، ج ۲۲. قم، انتشارات صدرا.
- ۲۷- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۸)، امدادهای غیبی در زندگی، قم، صدرا.
- ۲۸- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۹- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۴)، حکومت جهانی مهدی (عج)، قم، نسل جوان.
- ۳۰- منصوری، محمدهادی، (۱۳۹۵) تحلیلی درباره بصیرت یاوران امام زمان (عج) و فرایند دستیابی به آن در آینه قرآن و کلام علوی (ع)، انتظار موعود، سال شانزدهم، شماره ۵۵، ص ۵-۲۷.
- ۳۱- موسوی گیلانی، سید رضی، (۱۳۹۲)، چیستی و چرایی سبک زندگی و نسبت آن با دین و مهدویت، مشرق موعود، سال هفتم، شماره ۲۵، ص ۱۲۳-۱۳۸.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

REFERENCES

* The Holy Quran; translated by Naser Makarem Shirazi.

* Nehj al-Balagha; translated by Mohammad Dashti.

1. Ibn Shuba Harrani, Hasan bin Ali (1421 AH), Tohaf al-Uqoul an Ahadith Aal al-Rasoul, Qom, Al-Nashr al-Islami Institute.
2. Ibn Babvayh, Muhammad bin Ali, (1380), Kamal al-Din and Tammam al-Nimah, Qom, Dar al-Hadith.
3. Amidi, Abdul-Wahid bin Muhammad, (1410 AH), Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, Tehran, Islamic Culture Office.
4. 1410) , _____ AH), Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, Qom, Dar al-Kutub al-Islamiya.
5. Petroshevsky, Ilya Pavlovich (1341). Sarbedaran Movement in Khorasan, third edition, translated by Karim Keshavarz, Tehran, Payam Publishing House.
6. Javadi Amoli, Abdullah, (1385), Principles of Ethics in the Qur'an, Qom, Isra.
7. Hakimi, Mohammad Reza, (2008), Khurshid Maghreb, Tehran, Islamic Culture Office.
8. Debs, Maurice, (1368), Stages of Education, translated by Ali Mohammad Kardan, Tehran University Press.
9. Dasghaib, Seyyed Abdul Hossein, (1379), Gonahan Kabireh (Great Sins), Qom, Islamic Publications Office.
10. Raghieb Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1416 AH). Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an. Beirut, Al-Dar al-Shamiya.
11. Rahimi Jafari, Mohsen, Kargar, Rahim; (2012), Narrative analysis of the element of insight in the companions of Imam Zaman (A.S.), Entezar Mo'ud, Year 13, No. 43.
12. Rizq, Khalil, (1429), Al-Imam al-Mahdi (A.S.) wa al-Yawm al-Maw'oud, third edition, Beirut, Darul Wala.
13. Rizvani, Ali Asghar, (2006), The doctrine of Mahdevism is the only way to save humanity, Qom, Jamkaran Holy Mosque.
14. Rahmani, Seyyed Ahmad, (2008), Psychological Foundations of Religious Education, Islam and Educational Research, No. 2, pp. 138-109.
15. Suleiman, Kamil, (1376), Yawm al-Khalas, Tehran, Afaq.
16. Saif, Ali-Akbar, (2004), Educational Psychology, Tehran, Aghah.
17. Shahrabi Farahani, Fatemeh, (1393), Examining the role of Mahdavidism teachings in Islamic lifestyle and its implications in education, Master's thesis, Shahed University.
18. Taherzadeh, Asghar, (1388), When cultural activities become absurd, Isfahan, Lubb al-Mizan.
19. Tabatabaei, Seyyed Muhammad Hussein, (1374), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, The Teachers Assosiation affiliated with Qom Seminary.
20. Faqih, Ali Naqi, (1396), The educational approach of Tazkiyah and its application in the four axes of the Islamic lifestyle, 9th year, 2nd issue, pp. 23-38.
21. Fayz Kashani, Muhammad Bin Shah Murtaza, (1387), Akhlaq Hasaneh, Tehran, Payam Adalat.
22. Qeraeti, Mohsen, (2008), Tafsir Noor, Vol. 6, Tehran. Cultural Institute of Lessons from the Qur'an.

23. Kulaini, Muhammad bin Yaqoub, (1407 AH), Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyah.
24. Majlisi, Muhammad Baqir, (1403 AH), Bihar al-Anwar, vol. 2, Beirut, Dar Ihya al-Turath al-Arabi.
25. Motahhari, Morteza, (1372) Majmu'a Asar (Collection of Works), Vol. 3, Qom, Sadra Publications.
26. 1372), _____), Majmu'a Asar (Collection of Works), Philosophy of education and training, vol. 22. Qom, Sadra Publications.
27. 1388), _____), Emdadhaye Gheybi dar Zendegi (Divine Reliefs in Life), Qom, Sadra.
28. Makarem Shirazi, Naser, (1371), Tafsir al-Nasehoon, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyeh.
29. 1384), _____), Hukumat Jahani Mahdi (A.S.), Qom, Nasl Javan.
30. Mansouri, Mohammad Hadi, (1395) An analysis of the insight of the companions of Imam Zaman (A.S.) and the process of achieving it in the mirror of the Qur'an and the words of Imam Ali (A.S.), Entezar Mo'ud, Year 16, No. 55, pp. 27-5.
31. Mousavi Gilani, Seyyed Razi, (1392), Chisti va Cheraei Sabk Zendegi ve Nesbat an ba Din va Mahdaviyyat, Mashreq Mououd, 7th year, number 25, pp. 123-138.

